

شیوه های مادرانه در ترغیب دختران به رعایت حجاب و عفاف

چکیده

مادر، در زمینه های مختلف تربیتی از جمله خانوادگی، اجتماعی نقش اساسی دارد. شیوه لباس پوشیدن مادر در محیط خانه بر روی شخصیت فرزندان تاثیر دارد. مادر از نظر تربیتی نقش بسزایی در انتقال مفاهیم دینی به فرزند دارد از جمله مفاهیم دینی نوع پوشش و ظاهر و تربیت ظاهری فرزند است در کنار مادر پدر نیز جایگاه ارزنده ای در سوق دادن فرزند به انجام تعالیم و تکالیف دینی از جمله پوشش دارد که در این پژوهش راه های تاثیرگذاری تربیتی مادر در پوشش فرزند پرداخته می شود. بررسی مستندات، آیات و روایات در امر تربیت برای تبیین آثار تربیتی ارتباط مادر با فرزند در انتقال مسائل دینی در این پژوهش صورت خواهد گرفت. بنابراین یکی از آموزش هایی که هر خانواده باید به دختر خود بدهد، آموزش حجاب و مسائل محرم و نامحرم است. قرآن در دو سوره نور و احزاب طی آیاتی چند بانوان را به حجاب و پوشش دعوت نموده است. نقش معنوی مادر، در شکل دهی نیازهای درونی دختر بسیار ارزنده است. از این رو پرورش دینی دختر باید به گونه ای باشد که او را به خدا نزدیک سازد، آن چنان که در همه کارها و حالات، خدا را ناظر اعمال خود بداند و یقین کند که خدا دوستدار کارهای نیک اوست. بنابراین بر مادر لازم است که تکالیف شرعی را برای دختر خود شیرین و زیبا جلوه دهد. گاه ممکن است مادر وظایف شرعی خود را انجام دهد، اما آن چنان سرد و بی روح انجام دهد که دخترش از انجام آن ها لذت نبرد؛ و لازم است که مادر، قبل از فرا رسیدن سن تکلیف دخترش، او را به مراعات حجاب و عبادات شرعی تمرین دهد.

کلیدواژه

مادر، دختر، رفتار مادرانه، حجاب، ترغیب، اسلام.

یکی از عوامل مهم تربیت و سازنده شخصیت دختران، مادر و نوع رفتار آن است. مادر نخستین کسی است که در محیط خانواده در شکل‌گیری خلق و خوی فرزندان نقش و تاثیر به‌سزایی دارد با برخوردها و رفتارهای خود، فضایل و رذایل اخلاقی را در نهاد فرزندان بنیان می‌گذارد. بی‌تردید دختران بخش عظیمی از هر جامعه را تشکیل می‌دهند که مدیران جوامع به تناسب بینش‌ها و باورهای خود به نوعی برای این قشر برنامه‌ریزی می‌کنند. دختران در فرهنگ اسلامی از ویژگی و جایگاه خاصی برخوردارند، لازم است برای حفظ این جایگاه یک دسته از اصول و ارزش‌ها و مراقبت‌ها رعایت شود تا بدین وسیله دختران بتوانند پاسدار ارزش‌های واقعی خود باشند.

ایجاد رغبت در فرزندان برای انجام تکالیف دینی، نوعی جواب مثبت به تمایل درونی آنان می‌باشد. تشویق کردن کودکان از بهترین شیوه‌های تربیت کودک است؛ اما در مرحله ترغیب، فراتر از تشویق صرف است و مادر باید به ایجاد رغبت و تمایل درونی در فرزندان اقدام نماید. در مرحله ترغیب، مادر علاوه بر تعیین پاداش معنوی، به تشریح و تبیین پاداش‌های معنوی و نقشی که انجام تکالیف دینی و حضور در امکان مذهبی به خصوص مساجد در ایجاد آرامش روحی و بهداشت روانی انسان ایفا می‌نماید، می‌پردازد. این مقاله حاوی مباحثی کوتاه درباره مسئولیت مادر در قبال دخترش است. مانند مراقبت‌ها، آموزش‌ها، هشدارها، بایستگی‌ها و ... که امید است ره توشه‌ای برای مادران و دختران جامعه باشد.

پیشینه

روش گردآوری اطلاعات

۱- ارزش دختر در اسلام

اولاً چه دختر چه پسر از بزرگترین و با منفعت ترین نعمت هایی است که حضرت حق به بندگان مؤمنش عنایت می کند. چرا کسی از دختر دارشدن کسل می شود؟ مگر فرزندی که در رحم مادر قرار دارد به اراده کسی جز خداوند دختر می شود، دختر شدن فرزند در رحم عین لطف و رحمت حق و عنایت و مرحمت اوست، باید تسلیم اراده و لطف او بود، و بر نعمت وجود دختر تا پایان عمر با تمام وجود به شکر و سپاس برخاست.

مستحب است انسان، در صورتی که از دختردار شدن محروم است، دست نیاز به جانب حق بردارد، و برای دختردار شدن با حال اخلاص به درگاه حق دعا کند و بنالد.^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: دختران حسنانند، پسران نعمت حقند، برحسانت بهره می دهند، و از نعمت بازپرسی می کنند.^۲

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بهترین فرزندان شما دخترانند.^۳

هر کودکی که متولد می شود همانند آینه ای شفاف است. پدر و مادر با تربیت صحیح می توانند این پاکی را افزون کنند و دوام بخشند یا با تربیت نادرست آن را مکدر سازند؛ زیرا خداوند مردم را بر اساس فطرت خدایی آفریده است. پدر و مادر موظف هستند زمینه شکوفایی و رشد این فطرت خدایی را فراهم سازند و نگذارند این و دیعه الهی دچار آفت و زدگی شود.^۴

بی تردید دختران بخش عظیمی از هر جامعه را تشکیل می دهند که مدیران جوامع به تناسب بینش ها و باورهای خود به نوعی برای این قشر برنامه ریزی می کنند. در جوامع غربی دختران وسیله ای برای رونق بازار هوس و ابزاری برای تبلیغات اقتصادی اند و در نتیجه، برنامه ریزی ها در این محدوده است. اما از آن جا که دختران در فرهنگ اسلامی از ویژگی جایگاه خاصی برخوردارند، لازم است برای حفظ این جایگاه اصول و ارزش ها و مراقبت ها رعایت شود تا بدین وسیله دختران بتوانند پاسدار ارزش های واقعی خود باشند.^۵

اما متأسفانه عده ای از دختران و زنان این زمان در چهار گوشه جهان، از مکتب بی بند و باری پیروی می کنند؛ و شهوات و تمایلات خود را آزاد نموده، و سفره ای از فساد پهن کرده اند که در تاریخ گذشته

^۱ انصاریان، ۱۳۷۸، ص ۴۲۲، ۴۲۴

^۲ حرعاملی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳۶۲

^۳ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۹۱

^۴ عیسی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷

^۵ اکبری، ۱۳۷۹، ص ۱۱

سابقه نداشته، و با کمال اسف گروهی از دختران و زنان کشورهای اسلامی و امت رسول حق، از آنان تقلید می کنند.^۶

امیرالمومنین در رابطه با این زنان فرموده: در آخر زمان، و نزدیکی قیامت، که بدترین زمان هاست، زنانی ظاهر می شوند با این خصوصیات: بی حجاب و برهنه از پوشش لازم، جلوه دهنده زینت و زیبایی در کوچه و بازار، خارج از دین، داخل در فتنه، راغب به شهوات، سرعت گیرنده به سوی لذات، حلال شمرنده محرمات الهی، که این زنان با این اوصاف در جهنم ابدی و دائمی هستند.^۷

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بهترین فرزندان، دختران پرده نشین هستند. هرکس افتخار داشتن یک دختر را داشته باشد خداوند او را از آتش جهنم حفظ می کند و هرکس دو دختر داشته باشد او را وارد بهشت می سازد.^۸

دختران مادامی که ازدواج نکرده اند، باید رفتار دخترانه داشته باشند و در خانه و اجتماع، با ظاهری ساده حاضر گردند؛ باید با وقار و سنگین باشند و از حرکت های سبک همچون شوخی و صحبت های نا به جا، خنده های بی جا و حرکاتی که به نحوی در جامعه انگشت نما می شوند، خودداری کنند و باید در برابر نامحرمان با حجاب کامل ظاهر شوند و از پوشیدن لباس هایی که جلب توجه می کند، خودداری کنند؛ و خود را از محیط ها و موقعیت های تحریک آمیز و اتهام برانگیز دورنگه دارند.^۹

عزت و سربلندی انسان ها، به ویژه دختران جوان، در سایه عفت و وقار آن هاست. شکی نیست که حجاب و رعایت شوون زناگی یک عمل در عرف اسلام است؛ ولی در عین حال یک عرف اجتماعی نیز هست؛ به این معنا که در میان مسیحیان و یهودیان شرق نیز دیده می شود. باید توجه داشت که اسلام به مقطع خاص و محدودی نگاه نمی کند، بلکه اسلام فرجام و پایان یک زندگی دنیوی و اخروی را مورد نظر قرار می دهد و بر این اساس دستوراتش را برای بشر بیان می کند.^{۱۰}

در دین اسلام به والدین توصیه می شود که دختران را نیازارید، دل آن ها را مشکنید، اشک آنان را جاری مسازید، اگر افسرده شدند دلشان را به دست آورید، اگر ناراحتند از آن ها دلجویی کنید...و توصیه هایی این چنین درباره سپر اندک است و این ارزش دختر را می رساند.^{۱۱}

^۶ انصاریان، ۱۳۷۸، ص ۲۶۷

^۷ حرعاملی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۹

^۸ نوری، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۱۸

^۹ اکبری، ۱۳۸۵، ص ۳۳

^{۱۰} قاسمی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷

^{۱۱} قائمی، ۱۳۸۳، ص ۱۱

۲- نقش مادر در تربیت اسلامی دختر

از عواملی که در تربیت کودک مهم است و در مرحله نوجوانی آشکار می شود، نحوه برخورد رفتاری والدین بخصوص مادر با فرزندان می باشد؛ چون مادر، مدت زمان طولانی تر از پدر با فرزند خود سر و کار دارد. شخصیتی که به کودک خود می بخشد پایه و زیربنای تشکیل هویت فردی کودک می گردد.^{۱۲}

دختران در ابتدای زندگی مظهر پاکی، پذیرش و صمیمیت هستند، و پیش از آن که ما چیزی را به آن ها تفهیم کنیم، از پدیده ها ارزش ها و ضد ارزش ها، تصویری در ذهن ندارند؛ ارزش و ضد ارزش ها را از مادر فرا می گیرند. بسیاری از عادت ها، احساس ها و اخلاق های ثابت و زودگذر در پرتو تلاش مادر است که در دختران شکل می گیرد.^{۱۳}

اسلام، اجتماع سالم را در خانواده سالم می بیند، و طرح خانواده سالم را حتی پیش از تولد طفل طراحی می کند. در این راستا، مادر و شخصیت او را در شکل گیری شاکله وجودی فرزند موثر می داند، تمامی رفتار والدین را از زمان حمل و تولد تا سال های اولیه کودکی زمینه ای مهم برای رشد بعدی طفل می شمارد.^{۱۴}

خانواده مرکز آموزش و تثبیت کلیدهای مهم کودک است. کودک اولین و مهم ترین آگاهی های خود را از طریق آموزش های رسمی و غیر رسمی خانواده می آموزد و پس از نهادینه کردن در خود، نقش و رسالتش را تمرین می کند.^{۱۵}

کودک، به ویژه دختر، همه رفتارهای مادر حتی جارو کردن، رفتار با پدر، رفتار با دیگر فرزندان نظم و نظافت در خانه را زیر نظر دارد و بسیاری از رفتارها و احساسات مادر را در بازی های کودکانه خود با دیگر بچه ها تمرین می کند. بنابراین وظیفه مادران در قبال دختران بسیار مهم تر از پسران است.^{۱۶}

اگر مادر با دختر خود انس و صمیمیت کافی نداشته باشد، زمینه برای پرورش ویژگی های زنانه درونی فراهم نمی شود؛ در این صورت چه بسا دختر از مواهب درونی خود از قبیل لطافت روح، عاطفه، احساس بر خورداری کافی پیدا نکند و روحیه ای خشن بیابد. همچنین اگر مادر در خانواده نقش غالب و مسلط را ایفا کند دختر الگویی صحیح و مناسب که بتواند نقش ویژه او را بیاموزد نخواهد داشت.

^{۱۲} زارع، ۱۳۸۴، ص ۷۱

^{۱۳} عیسی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷

^{۱۴} بهزادپور، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴

^{۱۵} همان، ص ۲۰۵

^{۱۶} حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶

به هر حال اگر مادر الگویی مناسب و شایسته از یک زن نباشد، در رشد و پرورش و هدایت نقش ویژه دختر خود آثاری نامطلوب برجای می گذارد.^{۱۷}

ارتباط جسمی و روحی عمیقی بین دختر و مادر وجود دارد به طوری که دختر نمی تواند خود را جدای از مادر بداند و زندگی بدون مادر برای دختر مشکلات روحی و روانی زیادی به بار می آورد؛ به علاوه همانندی دختر با مادر می تواند اصلی برای نفوذ بیشتر او بر دختر باشد.^{۱۸}

دامان مادر مدرسه ای است که در آن اصول و ضوابط اولیه حیات آن چنان آموخته می شود که تا سال های سال آثارش موجود خواهد بود. آن ها که در دامان مادران صالح و شایسته ای پرورش یافته اند شایسته مانده اند و توانستند درس های دوران کودکی را نیکو فرا گیرند و نیکو عمل کنند و وضع به همین گونه است درباره اغلب افرادی که در دامن مادران گنهکار و فاسد رشد یافته اند.^{۱۹}

مادران آموزنده درس عفت و تقوا، عبادت و خلوص، پاکی و خدا ترسی به فرزندان به ویژه دختران هستند. دختری که مادرش را در برابر آفریدگار خاضع و خاشع و در انجام عبادت کوشا می بیند، دختر که می یابد مادرش ذکر خدا بر لب دارد، در عبادت متین و انجام اعمالش توأم با وقار است تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.^{۲۰}

می توان گفت سعادت و بدبختی دختران تا حدود زیادی مربوط به طریقه عملکرد و رفتار مادران و میزان نفوذی است که آن ها بر فرزندان دارند. او باید بداند کمترین عملی را که در حضور دخترش انجام می دهد همانند بذری است که در ذهن و مغز او می کارد و همه کارهایش به فرزندش وصل است.

نیکی یا بدی مادر، خیرخواهی یا بدخواهی او، شور و شرش، احسان و انعامش، حفظ زبانش از غیبت و بهتان و افترا و دروغ یایله و رها ساختن آن همه و همه در فرزندانش و بخصوص دخترانش که همیشه در کنار او هستند و با اوحتی در مجالس زنان همدم می باشند اثر می گذارد.^{۲۱}

در آموزه های دینی ما، مادری یک ارزش به شمار می آید که به دلیل ویژگی های زیستی و روانی بر دوش زنان نهاده شده است. از نظر فقهی، نگهداری از فرزند بر زنان واجب نیست، ولی مادران در مراقبت فرزندان از دیگران سزاوارترند. زنان طی مراحل مادر شدن، افزون بردست یابی به ثواب سرشار، به کمالات روحی و معنوی نیز می رسند و صفات اخلاقی بسیاری در آن ها رشد می کند. هرچه

^{۱۷} سادات، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۶

^{۱۸} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۳۰

^{۱۹} قائمی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۹

^{۲۰} همان، ص ۲۳۱

^{۲۱} همان، ص ۲۳۲

اوضاع زندگی پیچیده تر می شود، زنان نیز به حمایت بیشتری برای انجام وظایف مادری نیاز پیدا می کنند.^{۲۲}

مهم ترین و حساس ترین وظیفه بانوان تربیت فرزند است در این باره هرچند پدر و مادر هر دو مسئولیت دارند ولی نقش مادر بیشتر و تربیت او مؤثرتر است و او اولین آموزگار است، ترقی و تنزل و پیشرفت و عقب ماندگی اجتماع در دست بانوان است. این مادران هستند که می توانند با دانستن رموز تربیت و به کار بستن آن، فرزندان سعادتمند تربت کنند و هم آن ها هستند که با سرسری گرفتن و اهمال کاری، امر تربیت و یا ندانستن موازین و آداب تربیت زمینه فساد و تباهی جامعه را فراهم می سازند.^{۲۳}

یکی از مهم ترین و مشکل ترین وظایف مادر از بین بردن زمینه های انحراف و فساد در فرزند دخترش است، زیرا هیچ آتشی سوزنده تر از فساد اخلاقی و انحراف، یک محیط سالم را متلاشی نمی سازد و از بین نمی برد، و از آن جایی که زمینه فساد و انحراف در همگان وجود دارد و فرزندان به دلیل کم تجربگی و نا آگاهی و روحیه خاص نوجوانی و جوانی پیوسته در آستانه لغزش، انحراف هستند، مادر آگاه و هوشمند باید بکوشد موانع زندگی سالم را از پیش پای فرزندان بردارد و نگذارد فطرت پاک و دست نخورده آن ها به رذایل اخلاقی و مفساد اجتماعی آلوده گردد. طبیعی است که مادر نیز باید از مطالعه کتاب های تربیتی و اخلاقی غافل نماند و همیشه قدم جلوتر از نیازهای فرزندان حرکت کند و پشتیبان و پناهگاه واقعی دختر خود باشد.^{۲۴}

مادر در زمینه های گوناگون از جمله مساله پوشش و حیا، نقش و تاثیر مهمی بر شخصیت دختر خود و خانواده دارد. در خانواده ای که مادر، همواره لباس های نامناسب می پوشد، افزون بر آن که نوع ناپسندی از پوشش را به دخترش می آموزد، ناخواسته پسر خود را نیز به انحراف اخلاقی می کشاند.^{۲۵} حجاب اولین و بهترین سلاحی است که می تواند عفت و شخصیت زن را صیانت کند و او را از منجلاب بی هویتی و بی ارزشی رها سازد.

عفت و حیای زن، از مهم ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی است و نه تنها در تمام ادیان الهی بر آن تاکید گشته، بلکه عقول و افکار بشری نیز آن را تایید کرده اند.^{۲۶}

^{۲۲}علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۲۲۹

^{۲۳} نوری همدانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۳

^{۲۴} مروجی طبسی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸

^{۲۵} اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۴۱

^{۲۶} حسینیان، ۱۳۹۰، ص ۲۲

۱-۲- نقش مادر در تربیت دینی دختر

تربیت دینی فرزندان به ویژه دختران و ترغیب نمودن آنان به سمت حجاب و عفاف مستلزم اموری است که رعایت آن ها می تواند نقش بسیار مهمی در اثر بخشی تلاش های خانواده به ویژه مادر درقبال دخترش داشته باشد و از جمله آن امور.^{۲۷}

۱-۱-۲- ارتباط فرزندان با پروردگار جهان

آن چه در روایات اسلامی به عنوان یکی از مسئولیت های بزرگ والدین مطرح گردیده مساله آشنا کردن فرزند با خداوند و آفریدگار جهان هستی است. والدین باید با الهام از مکتب اهل بیت(علیه السلام) به زبان ساده و قابل فهم فرزند را با خدا و صفات خدا و نعمت های الهی آشنا سازند.^{۲۸}

کودکان و نوجوانان، دارای فطرت پاک الهی اند. ما باید بیندیشیم که چگونه این فطرت پاک الهی در وجود فرزندانمان واکسینه شود و همچنان بی آلایش باقی بماند و در زندگی پر فراز و نشیب آینده هدایتگر آن ها باشد و چگونه آن ها را با زندگی راستگویان و درستکاران و خدا جویان پیوند بزنیم و از شیطان های وسوسه گر و خناسان شب پرست و زشت سیرتان تبهکار دورسازیم.

در پرتو اعتقاد به معاد است که روح فضیلت و درستکاری و ترک هوا پرستی و هرزگی، خوی دائمی آدمی می گردد و بدین ترتیب زندگی، هدفدار و با معنا می گردد.^{۲۹}

۲-۱-۲- آموزش دین و احکام

مادر وظیفه دارد بعضی از مسائل خاص دختران را به آنان آموزش دهد. مادری که به دختران خود، به ویژه در زمینه مسائل دینی و اخلاقی آموزش می دهد، از پدید آمدن بخش عظیمی از مشکلات و هراس ها جلوگیری می کند.^{۳۰}

امام خمینی(رحمه الله علیه) فرمودند: تربیت و آموزش از دامن مادر شروع می شود؛ آن قدر که اخلاق مادر در بچه نوریس تاثیر دارد و به او منتقل می شود از دیگران عملی نیست. مادرها مبدأ خیرات

^{۲۷} عیسی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸

^{۲۸} مروجی طبسی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷

^{۲۹} همان، ص ۱۷۵

^{۳۰} حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷

هستند. اگر بد تربیت کنند مبدأ خیرات هستند. یک مادر ممکن است بچه ای را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات دهد، ممکن است بد تربیت کند و موجب هلاک امت بشود.^{۳۱}

خانواده هایی که از آموزه های دینی فاصله می گیرند، در برزخ میان عمل به آموزه های دین با تن دادن به خواسته های نفسانی خود گرفتارند. باورهای آنان رنگ مذهبی دارد، ولی حقیقت و اساس دینی ندارد؛ فرزندان چنین خانواده هایی، به فرهنگ ستامع در برابر دین خو می گیرند و به تدریج، به سوی بی حجایی گام برمی دارند.

۳-۱-۲- آموزش قرآن و مسائل شرعی

از حقوق فرزند بر والدین آموزش قرآن است. درباره دختران علاوه بر آموزش قرآن، آموزش سوره نور به صورت ویژه نیز سفارش شده است.^{۳۲}

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به دختران خود سوره نور آموزش دهید؛ زیرا در آن پندهاست.^{۳۳}

هم چنین بر مادران لازم است دختران خود را با احکام بلوغ، محرم و نامحرم و مسئله قاعدگی که نوعاً از حدود دوازده سالگی آغاز می شود، آگاه نمایند و آنان را آموزش دهند.^{۳۴}

باید ایمان و اعتقادات مذهبی را طوری در فرزندان درونی کنید که آنان بدون مراقبت و نگرهبانی شما بتوانند راه صحیح را انتخاب نمایند؛ و به دختران خود آن چنان بینش و بصیرت بدهید که خود بتوانند خوب و بد را تشخیص دهند، نه این که فقط امروز نهی نمایید؛ مناسب است مادر دختر خود را برای نماز صبح پیدا کند به طوری که پدر زمان عادت دختر خود را متوجه نشود؛ زیرا دختر خجالت می کشد.^{۳۵}

۴-۱-۲- آموزش حجاب

بی شک آموزش مسئله های اخلاقی و تربیتی باید از پایین ترین دوره سنی فرزندان آغاز شود. پس این اشتباه است که به مسئله تربیتی مربوط به شرم و حیای دختران تا نه سالگی توجهی نشود و تنها با فرا رسیدن زمان تکلیف، از آن ها بخواهند تایک باره در درون خود انقلاب رفتاری، فلسفی ای ویژه

^{۳۱} امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۳۶

^{۳۲} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۹۶

^{۳۳} حرعاملی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۹۹

^{۳۴} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۹۷

^{۳۵} همان، ص ۱۰۷

ای برپا کنند. فراگیری امور تربیتی، حقیقی است که باید به تدریج شکل گیرد. حجاب نیز نوعی فرهنگ است و باید کم کم و در گذر زمان و حساب شده، در روح و جان فرزندان نهادینه شود.^{۳۶}

خداوند در آیه ای از قرآن مجید، حکم و حکمت حجاب را چنین بیان می فرماید: ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مومن بگو جلاب ها(روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.^{۳۷}

برای آموزش فلسفه حجاب به دختران باید با چهره ای گشاده، سخنی نرم و در مکان و زمانی مناسب، او را با فلسفه حجاب آشنا سازید. به او بگویید چون دختر موجود ارزشمندی است، باید پوشش داشته باشد؛ همان گونه که گوهر و اشیاء قیمتی در گاو صندوق نگهداری می شوند و خداوند، قلب را در قفسه سینه، و مغز را در کاسه سر قرار داده است. دختر موجود لطیفی است؛ بدین جهت باید همچون گل در گلخانه از آن مراقبت شود. دخترانی که به سن نوجوانی رسیده اند ممکن است در مقابل آموزش مستقیم مقاومت کنند؛ در این صورت، از القای غیرمستقیم (هدیه کتاب درباره حجاب) استفاده کنید.^{۳۸}

به دختر خود بفهمانید که بهترین و برترین، حجاب چادر است که ریشه در سیره زنان اهل بیت (علیه السلام) به خصوص حضرت زهرا دارد. همچنین به او بگویید که چادر مشکی بهترین و سالم ترین پوشش است که سراسر حجم بدن زنان را می پوشاند و به آن ها وقار و متانتی خاص می بخشد؛ و امنیت و آرامش زنان و دختران را افزایش می دهد، زیرا تعرض و مزاحمت برای زنان چادری، کمتر از دیگران است.^{۳۹}

در جامعه ما، حساسیت شدید است. برخی از والدین، آن قدر سختگیری می کنند که فرزندان شان دو رو عمل می کنند، یعنی در برابر آنان خود را مطابق آنان نشان می دهند و در خفا، پنهان، رابطه هایی برقرار می نمایند. ای کاش این گونه نباشد، زیرا دورویی انسان را رنج می دهد کم کم در انسان تنفر ایجاد می کند.^{۴۰}

^{۳۶} اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۳

^{۳۷} احزاب، آیه ۵۹

^{۳۸} دهنوی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶

^{۳۹} کشوری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱

^{۴۰} قاسمی، ۱۳۸۲، ص ۶۴

۵-۱-۲- پوشش در برابر محارم

ذکر سلسله محارم در آیات مبارکه سوره نور، و قرار گرفتن فرزندان پسر در ردیف چهارم، و برادر در ردیف ششم محارم و ... چنین می‌رساند که، زنان و دختران خانواده باید حد و پوشش مناسبی را نسبت به میزان و ردیف محرمیت خود با مردان داشته باشند، تا جو خانواده از هرگونه جلوه‌گری جنسی در امان باشد.^{۴۱}

۲-۲- نقش مادر و تربیت عاطفی دختر

تردیدی نیست که سهم عمده در پرورش عاطفی فرزندان، از آن مادر است و اوست که باید در پرتو عواطف ملکوتی خود بذر عاطفه را در درون فرزندان خود پیرواراند. وجود ما در پاک نهاد، مادری که سرشت پاک زنانه خود را حفظ کرده و به درد از خود بیگانگی مبتلا نشده است، همچون مشعل فروزان است که محیط خانه را گرم و نورانی می‌سازد و فرزندان را از لحظات آغازین زندگی با ارزش‌های عاطفی آشنا می‌سازد. فرزندان که به هر علت از این مهر و عاطفه محروم شوند و درس مهر ورزیدن را در خانه نمی‌آموزند، انسان‌هایی خودخواه، بی‌عاطفه و خشن بارمی‌آیند که فرهنگ‌ها از انسانیت حقیقی فاصله دارند.^{۴۲}

بنابراین از عوامل مهم تربیت و سازنده شخصیت دختران، والدین و نوع رفتار آنان است. والدین نخستین کسانی‌اند که در محیط خانواده در شکل‌گیری خلق و خوی فرزندان نقش به‌سزایی دارند با برخوردها و رفتارهای خود، فضایل و رذایل اخلاقی را در نهاد فرزندان بنیان می‌گذارند.^{۴۳}

لازمه رفتار صحیح و مناسب با دختران توجه به ویژگی‌های روحی و روانی آنان است تا با شناخت روحيات آنان بتوان رفتاری شایسته و مناسب با آنان داشت.^{۴۴}

مادر باید شرایط دختر خود را درک کند مخصوصاً دختران جوان که نیاز به مقبولیت و تایید دارند؛ باید به نظرات آنان توجه شود. برای این که مادر بتواند موقعیت دختر خود را درک کند، باید خود را در شرایط او قرار دهد و جوانی خود را به یاد آورد، ساعتی با او به گفت‌وگو بنشیند و در دل‌ها و حرف‌های خصوصی او را گوش دهد.^{۴۵}

^{۴۱} بهزادپور، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹

^{۴۲} سادات، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۵

^{۴۳} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۹

^{۴۴} همان، ص ۲۰

^{۴۵} همان، ص ۸۶

عواطف در هر دو جنبه مثبت و منفی باید تحت کنترل و ضابطه ای در آید از آن بابت که افراد در جنبه های مثبت موجب بی بند و باری هایی خواهد شد و افراط در جنبه های منفی موجب پدید آمدن رفتار و ضد اجتماعی نامطلوب خواهد شد. آن چه مهم است این است که این جنبه ها در دختران به گونه ای پرورش یابند که کندی و رکورد را از زندگی او دور ساخته و غنای زندگی را سبب شوند و نیز عکس العمل هایی که آنان از خود بروز می دهند مورد قبول شرع و عرف باشد.^{۴۶}

در تربیت دختران سهی براین است که او را از محبت خانوادگی اشباع کنند آن چنان که به پدر و مادر اعتماد و روی آن ها حساب کند وجود خلاء در این زمینه ممکن است موجبات انحراف او رافراهم آورد و وحشت از این که در خانه کسی او را دوست ندارد ممکن است موجب پدید آمدن نابسامانی فکری و حتی خودکشی شود. در بررسی لغزش های دختران جوان این مساله مسلم شده است که اغلب آن ها دچار خلای در محبت خانوادگی بوده اند.^{۴۷}

بنابراین مادران باید دختران خود را درک و به آن ها محبت کنند تا آن ها احساس کنند پناهگاه محکمی دارند. دختری که احساس بی پناهی کند و از محبت کافی بهره مند نباشد، در جستجوی پناهگاه و محبت به بیرون خانه روی می آورد و دچار لغزش و انحراف می شود.^{۴۸}

۳- عملکرد های بنیادی مادر در تربیت دختر

۳-۱- آگاهی دادن

از وظایف مادر آگاهی دادن به دختر خود است؛ ندادن آگاهی های لازم به دختران به اندازه ای خطرناک و مسئله ساز است به ویژه در دختران جوان که گویی آنان را در برابر انبوه مشکلات و مسائل پیچیده و بحرانی امروز رها کرده و تنها گذاشته ایم.^{۴۹}

تنها مادران با ایمان و باتقوا هستند که با برخورداری از معرفت دینی و اخلاق اسلامی و مهارت های تربیتی، درسایه هم نشینی بارشد یافتگان و اندوختن معرفت و تربیت از آن ها، می توانند آگاهی های مهم و حیاتی را به میزان سن و رشد فرزندان، به آنان بیاموزند و باتحلیل دستورهای اسلامی، آنان را با ارزش های راستین آشنا و بر اساس مکارم اخلاقی پرورش دهند و فرزندان صالح و تربیت یافته ای را تحویل جامعه انسانی بدهند. مهم ترین عامل لغزش ها و بزهکاری ها و گمراهی های فرزندان،

^{۴۶} قائمی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵

^{۴۷} همان، ص ۱۳۸

^{۴۸} حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷

^{۴۹} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۷۹

نداشتن آگاهی های لازم دین و ضعف ایمان و تقوا است. چنان که در مکتب تربیتی معصومین (علیه السلام) این حقیقت تصریح شده است.^{۵۰}

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: به کودکانتان مطالبی بیاموزید که برایشان سودمند و مفید است تا این که (گروه های منحرف مثل) مرجئه با عقیده باطل شان، بر آنان غالب نشوند و افکار انحرافی خود را بر آنان القا نکنند.^{۵۱}

۱-۱-۳- پیامدهای بدحجابی

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن، حدود را رعایت ننماید هر بیمار دلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند. آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تاثیر دیدهای آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده شده و در نتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده و در چنگال بیمار دلان و هوسبازان، گرفتار می آید و از منش انسانیت سقوط کرده و به غرقاب حیوانیت می رود.^{۵۲}

شیطان با همه ارزش های الهی مخالف است. او در یافته که صلاح و فساد زن، در صلاح و فساد اجتماع نقش چشم گیری دارد و از سوی دیگر می داند که زنان به خود نمایی نیز راغب اند و این خودنمایی نیز در اشاعه گناهان نقش مؤثر و کلیدی دارد. بدیت ترتیب شیطان در این مأموریت خود چنان موفق بوده که توانسته برخی از زنان را به این باور برساند که انجام چنین گناهان آشکاری، شاخص روشن فکری و نشانه پیشرفت آن ها خواهد بود. بدحجابی، نتیجه متمدن بودن نیست، بلکه ناشی از غرایز جنسی و ضعف باورهای دینی است.^{۵۳}

خانواده اولین و بیشترین نقش را در انحراف دختران دارد؛ بدیعی است که دین داری و یابی، نجابت اصالت خانواده و یا سبک رفتار اهل منزل و عدم قباحت کارهای نادرست، در اغلب موارد در رفتار، روحیه و فکر حساس دختر تاثیر می گذارد. هرچه خانواده با اصالت، نجیب و دین دار باشد دختران خانواده نیز بدین گونه خواهند بود و اگر خانواده بی بند و بار باشد طبیعی است که دختران آنان نیز به انحراف کشیده می شوند.^{۵۴}

^{۵۰} کوهی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۷

^{۵۱} علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۷

^{۵۲} فتاحی زاده، ۱۳۷۹، ص ۸۰

^{۵۳} اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۲

^{۵۴} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۵۶

۲-۳- روش الگویی

در فرزند ویژگی همانند شدن وجود دارد. او رفتار بزرگسالان را بدون اراده تقلید می کنند. بی گمان، در این همانند سازی، نقش مادر که بیشتر در کنار اوست و رفتارش را بیشتر می بیند، برای کودک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دختران، به طور معمول، روش مادر را در خانه تقلید می کنند. ممکن است مادر در خانه به گونه ای رفتار کند که دختر از مادر شدن بیزار شود و هرگز هوس زناشویی و تشکیل خانواده را به خود راه ندهد. دختران کوچک بیش از هر چیز به فکر زندگی آینده و محیط آرام زندگی هستند. آنان به گونه ای ناخودآگاه، تجربه ای که مادران به آن ها آموخته اند، را در زندگی به کار می برند.^{۵۵}

خانواده کانون عشق و امید و تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است به گونه ای که هیچ جامعه ای نمی تواند بدون خانواده پایدار بماند. نخستین شرط در زندگی زناشویی، آن است که زن و شوهر از تمایلات و هویت فردی دست برداشته، برای ایجاد هویت جمعی، تلاش نماید. چنانچه هر یک فقط خواهش خویش را دنبال کند، یعنی زن در جهت تجمل و خودنمایی و مورد پسند واقع شدن در اجتماع و جلب توجه مردان بیگانه گام بردارد، در دغدغه مقبولیت خویش فرو رود و نقش مادری را به فراموش می سپارد.^{۵۶}

بنابراین یکی از مهم ترین روش های تربیتی، روش الگویی است. در این روش به جای این که همه چیز را از راه گفتار و پند دادن و نصیحت کردن به فرزندان خود بیاموزیم سعی می کنیم با رفتار خود و به طور غیرمستقیم به تربیت و آموزش فرزندان خود بپردازیم.^{۵۷}

پدر و مادر دلسوز به منظور تربیت صحیح فرزندان خود باید کنترل اعمال، حالات و عواطف خود را جدی بگیرند و خویشتن را آزاد، بی تعهد و بی مسئولیت احساس نکنند.^{۵۸}

روش الگویی بهترین موثرترین و طبیعی ترین وسیله برای انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی در خانواده هاست؛ و طی آن، فرزندان در مسیر طبیعی زندگی به راحتی این ارزش ها را فرا می گیرند، به آن ها خو می کنند.^{۵۹}

^{۵۵} حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷

^{۵۶} جباری، ۱۳۸۸، ص ۵۴

^{۵۷} سادات، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۳

^{۵۸} همان، ص ۱۱۵

^{۵۹} همان، ص ۱۱۶

رفتار حضرت فاطمه الگو و معیار بسیار روشنی برای همه انسان ها، به ویژه دختران جوان و مسلمان است تا زندگی سعادت‌منانه ای را داشته باشند.

در حقیقت دختران جوان، با حیا و عفاف خود، گامی موثر برای بالا بردن شخصیت و ارزش خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مردان برخواهند داشت.^{۶۰}

آن چه که از سیره حضرت زهرا برداشت می شود، این است که حضرت بزرگترین خصلت زن را حیا می دانند و حیا به عنوان نیروی بازدارنده از قبیح و کارهای نامطلوب، نقش مهمی در شکل گیری شخصیت زن دارد و البته نه حیا ناپسند که مانع فعالیت های زن بشود، بلکه منظور حیای پسندیده است؛ حیایی که زن را در کنار انجام وظایف اجتماعی و فرهنگی بر حفظ عفت خویش یاری می نماید.

حضرت زهرا، حجاب را یک حرکت تدافعی تهاجمی می دانند، دفاع در مقابل نگاه های بیگانه و حرکت به سمت هدف های پیش رو و انجام وظایف زنانه و می بینیم که حضرت در زندگی خود با رعایت حد اعلای حجاب و اهتمام تام به عفت و در عین حال انجام بالاترین خدمات اجتماعی به جامعه اسلامی الگویی برای زنان مسلمان ترسیم می کنند تا در دوران مختلف با به کارگیری این الگو راه سعادت خود و جامعه را هموار سازند.^{۶۱}

عدم پوشش لازم والدین به ویژه مادر در برابر فرزندان و بلکه تمام اعضای خانواده در حضور یکدیگر، مخصوصاً خواهر در برابر برادر، مزاح روابط عاشقانه پدر و مادر در برابر آن ها، استفاده از وسایل سمعی و بصری مخرب شخصیت، حضور در مجالس مختلط زن و مرد، بی پروایی در حریم عفاف و هر عمل و گفتاری که در بیداری و تحریک غریزه جنسی موثر است و اسلام عزیز نسبت به آن هشدار داده، باعث می شود فرزندان در معرض انحرافات جنسی، به ویژه خود ارضایی قرار گرفته و از راه رستگاری و خوشبختی و آینده درخشان بازمانند.

لذا علت اصلی بسیاری از انحرافات جوانان و نوجوانان، ناشی از چنین خانواده های آسیب زا است که در اثر بی مبالاتی و بی احتیاطی، و الگوی بد بودن برای فرزندان، جگرگوشه های خود را به لجن زار فساد و انحرافات انداخته اند.^{۶۲}

بنابراین مادر اولین الگویی است که دختر می تواند ارزش ها را به درستی از او بیاموزد. نیز راه های در این زمینه وجود دارد.

^{۶۰} اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۸

^{۶۱} جاوید، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶

^{۶۲} کوهی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۲

۳-۳-۳- پاکسازی خانواده از تحریکات جنسی

نظام رفتاری در این نهاد کوچک، تک تک اعضاء خانواده را در برمی گیرد، و اسلام علی رغم تاکید بر حفظ لطافت، احساس و مودت در بین اعضاء این نهاد مقدس، برتنظیم رفتار متین خانواده اصرار می ورزد؛ زیرا محیط منزل، محیط رشد گل های خلقتی است، که باید از تمامی صحنه ها و برخوردهایی که اعضاء را برطرف مسایل جنسی منحرف می سازد، عاری باشد. سرلوحه این ملاحظات، در دو رعایت ویژه ذیل است.^{۶۳}

۳-۳-۱- جداسازی محیط استراحت والدین

از مسائل تربیتی ظریف و مهمی که گاهی مورد بی توجهی خانواده ها قرار می گیرد مساله اجازه گرفتن از پدر و مادر به هنگام ورود به اتاق شخصی آن هاست.

طبیعی است که این کار باید با ملایمت صورت گیرد و والدین با تقویت احساس استقلال روانی و عزت نفس کودکان و تمرین دادن آن ها به این کار پیش بروند، به طوری که پیش از آن که به سن بلوغ برسند، به الزامی بودن این امر پی ببرند. این یک درس بسیار مهم اخلاقی است که اگر رعایت شود، کودکان پاک و عفیف رشد می کنند.^{۶۴}

قرآن مجید می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید بردگان شما و هم چنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند درسه وقت باید از شما اجازه بگیرند پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباسهای معمولی خود را بیرون می آورید و بعد از نماز عشاء این سه وقت خصوصی برای شماست اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنان نیست و برگرد یکدیگر بگردید و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بوده اند اجازه می گرفتند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِنَ اللَّيْلِ وَمِنَ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور، آیه ۵۹، ۵۸)

وضع ثياب در جمله به معنای کندن لباس، و کنایه است از اینکه اهل خانه در حالی باشند که چه بسا میل نداشته باشند بیگانگان در آن حال ایشان را ببینند. و کلمه "ظهیره" به معنای وقت ظهر است. و کلمه عورت به معنای عیب است، و اگر آن را عورت نامیده‌اند، چون هرکس عار دارد از اینکه

^{۶۳} بهزادپور، ۱۳۷۸، ص ۲۰۷

^{۶۴} مروجی طبسی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸

آن را هویدا کند، و شاید مراد از آن در آیه شریفه هر چیزی باشد که سزاوار است پوشانده شود. حکم می‌کند به اینکه داخل شدن به خانه هر کس موقوف به اجازه گرفتن است چون در خصوص غلامان و کنیزکان اجازه گرفتن در سه هنگام را کافی می‌داند، و بیش از آن را واجب نمی‌داند. معنای این است که به ایشان دستور دهید که از شما اجازه دخول بخواهند، و از ظاهر جمله بر می‌آید که مراد از آن تنها غلامان است (چون کلمه "الذین" برای مردان است، کنیزان)، هر چند که لفظ عمومیت دارد، و اگر آن خاص را به لفظ عام تعبیر کرده، از باب تغلیب است، و از روایت هم این اختصاص برمی‌آید، که به زودی روایاتش خواهد آمد. معنای "اطفالی است که به حد تمیز رسیده‌اند، ولی بالغ نشده‌اند.

منظور از جمله سه نوبت در هر روز است، به دلیل اینکه دنبالش آن را تفصیل داده، و فرموده: اول قبل از نماز فجر، و دوم هنگام ظهر که به خانه می‌آیید و جامه می‌کنید، سوم بعد از نماز عشاء، و در جمله به وجه حکم اشاره نموده و می‌فرماید: این سه موقع سه عورت است برای شما، که طبعاً شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما مطلع شود. پس مانعی نیست که بعد از این سه موقع مامورشان نکنید به اجازه دخول خواستن و مانعی هم برای ایشان نیست که از شما استیذان نکنند می‌فرماید: چون در غیر این سه موقع غلامان و کنیزان دائماً در آمد و شد، و خدمتند. پس تنها در اجازه خواستن به این سه هنگام اکتفاء کنند. این جمله بیانگر این حقیقت است که حکم مذکور، یعنی استیذان در سه نوبت برای اطفال تا مدتی معین معتبر است، و آن رسیدن به حد بلوغ است، و بعد از آن باید مانند کسانی که قبلاً ذکر شد یعنی بالغان از مردان و زنان آزاد اجازه بگیرند.^{۶۵}

۴-۳- تشویق و شخصیت دادن

تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و از بهترین شیوه‌های تربیت کودک است. فرزندان از تحسین و تشویق لذت می‌برند و این، از تمایلات فطری آنان است که باید به بهترین شیوه و برای گرایش دادن آن‌ها به فعالیت‌های ارزشمند از آن استفاده کرد. نیاز به تشویق، نیاز همیشگی است و این خطاست که برخی تصور کنند چون فرزندان بزرگ شده اند دیگر به تشویق نیازی ندارند.^{۶۶}

تشویق می‌تواند محرک، انگیزه بخش و نیرو دهنده باشد و امید انسان به زندگی را افزایش داده و توان مقابله با سختی‌ها و کاستی‌ها را نیز در فرزند بالا ببرد. البته باید به گونه‌ای عمل شود که تشویق را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف قرار دهیم؛ و انگیزه کودک از کار درست و نیک، فقط پاداش و جایزه نباشد که این وضعیت می‌تواند خطر آفرین بوده، و باعث ایجاد عادات ناسالم در فرد گردد؛

^{۶۵} علامه طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۲۸

^{۶۶} عیسی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳

و در این صورت بدون پاداش، قادر به انجام کار و تلاش نخواهد بود. هم چنین تشویق نباید موجب غرور و بزرگی کاذب شود.

نکته دیگر در مورد تشویق این است که در امر تشویق، مقایسه نباید صورت گیرد و این ضعفی است که در اغلب خانواده ها به چشم می خورد، که به طور طبیعی بر روی فرزندان، اثرات مخرب، ویرانگری خواهد داشت. تشویق و سرذوق آوردن بچه ها مفید ترین تکنیکی است که والدین می توانند برای تعلیم و تربیت و ایجاد مسئولیت در آن ها به کار ببرند.^{۶۷}

شخصیت هر فرد محبوب ترین پدیده مورد علاقه اوست تکریم شخصیت جوان موجب جلب اعتماد و جذب او می شود دختران جوان دوست دارند مورد توجه قرار گیرند و احساس شخصیت کنند، باید هنر برخورد مناسب با آنان را آموخت. باید به آن ها شخصیت داد تا عملاً در یابند دارای ارزش اند. آنان باید درباره خود نظری بلند داشته باشد، بدین منظور باید در تصمیم گیری ها با آنان مشورت نمود و نظرات آنان را جویا شد باید به آنان مسئولیت داد و اعتماد نمود.^{۶۸}

بنابراین تربیت دینی و ایجاد علاقه در فرزندان برای عمل به دستورهای خداوند، باید از کودکی آغاز شود و اگر والدین سنجیده عمل کنند فرزند در عمل به وظایف دینی کوتاهی نخواهد کرد. برای علاقه مند ساختن فرزندان به حجاب، هرگز نباید از زور استفاده شود. استفاده از زور برای آموزه های دینی، خاطره تلخی برای کودک تداعی می کند و او را از حجاب دورتر خواهد کرد.^{۶۹}

۵-۳- جشن تکلیف

یکی از بهترین و شیرین ترین دورانی که بردختر می گذرد، دوران به یاد ماندنی بالغ شدن آن ها است. دخترها در این مرحله احساس می کنند شور و نشاط عظیمی در روحشان دمیده می شود و گویی به جهان تازه ای گام می نهند. آنان با تحولاتی که در جسم و روح خود می یابند. به خدا توجه می کنند که برآنان منت گذارده و با واگذاری مسئولیت سنگین تکلیف، آنان را درآستانه شکوفایی و رشد و بالندگی و حرکت به سوی کمال لایتنهای و تقرب به درگاه مقدس خود دعوت کرده است.

مراسم جشن تکلیف بر شخصیت پاک و پر انرژی نوجوانان صحنه می گذارد و آنان را در قبول مسئولیت های دینی و انسانی مستعد و پرتوان می سازد. بنابراین جا دارد پدر و مادر، خدا را بر این عطیه و

^{۶۷} زارع، ۱۳۸۴، ص ۴۳

^{۶۸} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۸۳

^{۶۹} دهنوی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۷۷

احساس بی منت شکر نموده آن روز را جشن بگیرند شایسته است که این جشن به خوبی برگزار گردد و مجالس و محافلی عمومی و خصوصی برای آن تشکیل شود.^{۷۰}

۴-موارد مؤثر در تربیت دختر

۴-۱-دوستان و تاثیرات آنان بر انسان

علت انحراف بسیاری از جوانان، به ویژه دختران جوان، دوستان ناباب می شود. آنان در ابتدا دخترانی با حجاب، موقر و دارای شخصیت بوده اند ولی اطلاعی یا دلایل دیگر تحت تاثیر دوستان ناباب قرار گرفته اند. دختران با ایمان باید بدانند که به هرکس نمی توان اطمینان کرد؛ چه کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند نمی تواند دوست خوبی باشد. بنابراین اگر می تواند دوست بدکار را اصلاح نماید و چنانچه نتوانست، او را رها کند و خود را از افتادن در دامی که گرفتار آمده، نجات بخشد. چنانچه امام علی(علیه السلام) می فرماید: انسان در مجالس ناپاکان و گناهکاران از سختی ها و بلاهایی که در اثر گناه فرود می آید در امان نیست.^{۷۱}

بنابراین انتخاب دوستان یکی، از مسائل سرنوشت ساز تربیتی است. پدر و مادر وظیفه دارند در انتخاب دوست شایسته و درستکار به فرزند خود کمک کنند. بدون راهنمایی والدین در این زمینه، فرزندان به سرعت به بیراهه می روند.^{۷۲}

دوست نقش بسیار مهمی در زندگی انسان دارد. چه بسا مادران و پدران فرهیخته و دانایی که دوستان ناشایست رنج چندین ساله آنان در تربیت فرزندشان را بر باد دادند و چه بسا فرزندان فاسد، تبهکاری که از راه هم نشینی و هم فکری با دوستان خوب، به رشد و تکامل انسانی رسیدند.(همان، ص ۱۸۵)

امام علی(علیه السلام) می فرماید: دوست واقعی تو، کسی است که تو را از گناهان و خطاها باز دارد.^{۷۳}

بنابراین لازم است محیط ارتباطات دخترات تحت ضوابط کنترلی باشد. این که او در زندگی نیازمند به هم صحبت و معاشرت است جای سخنی نیست. او در ساعات فراغت باید با افرادی حرف بزند، بازی کند، آمد و شد داشته باشد. ولی این امر در مسیر فضیلت باید باشد نه در بند و باری و براساس ضوابط و مقررات اندیشیده باید باشد نه بی حساب.^{۷۴}

^{۷۰} مروجی طیبی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱

^{۷۱} آمدی، ۱۳۵۵، ج ۲، شماره ۳۸۷

^{۷۲} شیخانی، اسحاقی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۸۴

^{۷۳} آمدی، ۱۳۵۵، ج ۲، شماره ۷۶

^{۷۴} قائمی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۷

امام علی(علیه السلام) می فرماید: بیش از آزمایش و شناخت دوست، به وی اعتماد کن.^{۷۵}

بنابراین مادر باید معیارهای دوست خوب و مشخصات دوست بد را بیان نموده و آنان را از عواقب دوستی با افراد ناسالم مطلع سازند. مادر باید برای ایجاد دوستی دختر شان با افراد شایسته به شکل های گوناگون همچون موارد زیر سازی کنند:

الف) با خانواده های خوب و مناسبی که دختران خوبی دارند، رفت و آمد نمایند، بدون آن که از دختر آنان تعریف کنند؛ زیرا آنان واکنش منفی از خود نشان می دهند.

ب) از طریق ارتباط با مسئولین مراکز آموزشی که دخترشان در آن تحصیل می کند. با دختران شایسته ارتباط ایجاد کنند.

ج) گاه لازم است محیط زندگی و آموزشگاه او را تغییر دهند تا با شرایط جدید، دوستان مناسبی به دست آورد.^{۷۶}

نتیجه گیری

دختران به حکم فطرت و طبیعت، افرادی با عاطفه و مهرورز اند و این عاطفه در آن ها نشان کمال خلقت آن هاست. اما باید در هدایت این عواطف پیش قدم بود تا خدای نکرده به انحراف کشیده نشوند. بنابراین با الگوسازی و بیان زندگی وسیره صالحان، واداشتن به تفکر و تامل در عملکردها، سوق دادن آن ها به سوی نیایش با خدا و... می توان به این عواطف جهت بخشید. هنر مادر این است که با استفاده از این روش های مختلف بتواند دین و احکام آن را برای کودکان و نوجوانان شیرین و جذاب سازد تا رغبت آن ها نسبت به دین برانگیخته شود.

مادر از طریق جداسازی محیط استراحت والدین و آگاهی دادن به فرزند که خود درحیطه های ارتباط با پروردگار و آموزش دینی و احکام که شامل قرآن و مسائل فردی و اجتماعی، شرعی حجاب می باشد و از روش الگویی می تواند استفاده کند که روشی است بسیار مثرثمر؛ همچنین درحیطه آموزش حجاب باید به دوستان و تاثیرات آن هم توجه کرد به هر حال، اگر مادر از همان ابتدا فکر و دل فرزند خود را با ایمان و تعهد دینی آشنا سازد؛ و در صورت بروز لغزش، با جدیت و قاطعیت و تدبیر از آن جلوگیری کند، فرزند او با جسارت قدم در بیراهه نمی نهد و تسلیم حوا و هوس نمی شود.

^{۷۵} آمدی، ۱۳۵۵، ج ۲، شماره ۹۵

^{۷۶} اکبری، ۱۳۸۵، ص ۸۴

بنابراین واداشتن فرزندان به ویژه دختران به انجام تکالیف عبادی نباید با خشونت، سختگیری، تندی همراه باشد. پدر و مادر باید با صبر و حوصله و به تدریج اما با جدیت و قاطعیت، فرزندان خود را به این مسیر هدایت کنند تا به این ترتیب روحیه ستیزه جویی، لجاجت و حساسیت منفی نسبت به انجام این عبادت ها در آن ها به وجود نیاید در مسائل دینی از آن جا که با قلب و روح انسان ارتباط دارند، باید روش های در پیش گرفت که در دل کودکان و نوجوانان راه پیدا کنند و مورد محبت و دل بستگی آن ها واقع شوند و به ایمان قلبی تبدیل گردند برای این منظور باید به جای سختگیری های نامعقول بیشتر از شیوه های تشویقی بهره جست.

منابع و مأخذ

✽قرآن کریم

الف: کتب فارسی

- ۱- اسحاقی، سیدحسین، گوهر هستی در صدف حجاب، قم، خادم الرضا، ۱۳۹۰.
- ۲- اکبری، محمود، برای ریحانه، رهنمودهایی برای دختران جوان، قم، پردیسان، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- ۳- اکبری، محمود، رفتار والدین با دختران جوان، بی جا، شهاب الدین، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- ۴- انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم، ام ابیها، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۸.
- ۵- بهزادپور، سیمین دخت، زن در توسعه مفاهیم اسلامی، بی جا، انتشارات خرداد، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۶- جاوید، محمد جواد، تاملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی، بی جا، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۷- جباری، طاهره، احکام و آداب حجاب و عفاف، بی جا، نور السجاد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۸- حسینی، داوود، روابط سالم در خانواده، قم، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۹.
- ۹- حسینیان، حامد، صدفی برای مروارید؛ بررسی کارکردهای حجاب، بی جا، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۰- دهنوی، حسین، نسیم مهر؛ پرسش و پاسخ تربیت کودکان و نوجوانان، ج ۲، بی جا، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۹۱.

- ۱۱- زارع، رامک، نقش مادران در تربیت فرزندان، بی جا، تخت جمشید، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۱۲- سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران؛ شیوه های برخورد با نوجوانان، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۶.
- ۱۳- شیخانی، اسحاقی، علی باقر، سیدحسین، سریر سخن؛ اخلاق برای همه، ج ۲، بی جا، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- ۱۴- علامه طباطبایی، محمد حسین، موسوی، محمد باقر، مترجم، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸.
- ۱۵- علاسوند، فریبا، زن در اسلام، قم، نشر هاجر، چاپ پنجم، ۱۳۹۷.
- ۱۶- عیسی زاده، عیسی، خانواده قرآنی؛ ویژگی ها و وظایف اعضاء آن، بی جا، بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
- ۱۷- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- ۱۸- قاسمی، حکیمه، دختران آرزوها و حسرت ها، بی جا، کتاب سعدی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۹- قائمی، علی، اسلام و تربیت دختران، بی جا، نشر امیری، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
- ۲۰- کشوری، امین، حجاب چرا؟، قم، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۲۱- کوهی، محمدرضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، بی جا، انتشارات اتقان، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۲۲- مروجی طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۸.
- ۲۳- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۹، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
- ۲۴- نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، بی جا، مهدی موعود، چاپ ششم، ۱۳۸۸.
- الف: کتب عربی
- ۲۵- آمدی، ابوالفتح، الغرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، بی جا، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۵۵.
- ۲۶- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ۱۴، ۱۵، ۷، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- ۲۷- علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲ و ۱۰۴، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۲۸- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، بی جا، بی نا، ۱۳۹۴.